

## مشخصات

## اقتصاد اسلامی

## مذهب اقتصادی یا علم اقتصاد؟

ما بطور که در شماره‌های گذشته اشاره کردید اسلام یک اقتصاد مجزا و بدون که بصورت یک مکتب علمی خشک درآمده باشد ارائه نمیدهد بلکه با توجه به تفاوت بین «علم اقتصاد» و مذهب اقتصادی (۱) اسلام یک راه و روش عملی برای تنظیم حیات اقتصادی و حل مشکلات آن بر اساس عدالت اجتماعی است.

اما علم اقتصاد که علمی است کاملاً جدید و در حدود چهار قرن پیش یعنی در اوائل عصر سرمایه‌داری مبادی و اصول آن پی‌ریزی گردید و تا به امروز بسیر تکاملی خود را نموده و در ردیف مهم‌ترین و پیچیده‌ترین علوم اجتماعی درآمده و در دانشگاههای عالم بعنوان یک رشته اختصاصی تدریس میگردد؛ عبارت است از تفسیر و تحلیل قوانین اقتصادی و نمودهای مختلف آن بر اساس سادرسد علمی.

(۱) مذهب اقتصادی یعنی راه و روش. علم اقتصاد یعنی تجزیه و تحلیل قوانین اقتصادی و عبارت دیگر: مذهب اقتصادی عبارت است از هر قانون اساسی در زندگی اقتصادی که منتهی به عدالت اجتماعی باشد و علم اقتصاد عبارت است از بررسی قوانین اقتصادی با مقیاسهای علمی و سادی بدون کوچکترین ارتباطی با مسئله عدالت و مسائلی از این قبیل: مثلاً بحث درباره عوامل و اسبابی که سبب زیاده و کمی تولید میگردد و همچنین قانون عرضه و تقاضا و قانون تحدید دستمزدها (قانون سفرخ) از مسائل علم اقتصاد است ولی وقتی همین مسائل جنبه عملی بخود گرفت و با اصطلاح مورد موافقت و یا مخالفت یکی از مکتبهای اقتصادی واقع گردید از قوانین مذهب اقتصادی بشمار می‌آیند یعنی یک مذهب اقتصادی هیچگاه مسئله تولید را از درجه قوانین علمی و مقیاسهای سادی در نظر نمیگیرد و بلکه با نظر بر بحث میکند که مثلاً آیا جایز است و مقیاسی عدل میباشد که ما وسائل تولید را در اختیار عیشت دولت بگذاریم؟ و اساساً بر چه عادلانه تولید توزیع ثروت و حل مشکلات اقتصادی انسان کدام است؟

دراثر همین خلط و اشتباه بین علم اقتصاد و مذهب اقتصاد، عده‌ای همینکه در اسلام یک بحث علمی محض پیرامون اقتصاد تولید و توزیع ثروت نظیر بحثهای دانشمندان اقتصاد کلاسیک مانند **آدام اسمیت** و **ریکاردو**، یافتند گمان کردند که اسلام پرورش اقتصادی نداده و عقیده به وجود اقتصاد اسلامی خیالی واهی پیش نیست؛ در صورتیکه همین افراد اگر امتیاز بین این دو موضوع را متوجه بوده‌اند هیچگاه چنین خیالی تکیه‌دانه و اسلام را بتوان ارائه‌دهنده یک مذهب و روش اقتصادی عادلانه که خود جزئی از مفاد و قوانین این آئین مقدس است، می‌ستودند.

### اقتصاد بر اساس عقیده

حال که میخواهیم مکتب اقتصادی اسلام را بررسی کنیم قبلاً باید این نکته اساسی را بطور کامل مورد توجه قرار داد که اسلام مانند رژیمهای اقتصادی امروز برای هر طرف کردن مشکلات اقتصادی انسان مقام بلند او را قادر به یک زندگی محدود مادی نترن نداده بلکه برای این منظور با همان فلسفه کلی و حیثان بینی خاص خود انسان را (که منشأ حرکت تاریخ و تحول اجتماع است) با تمام ترکیباتش از ملکات و عواطف و اخلاق و اندیشه‌ها و زیادت ملاحظه کرده و صالح‌ترین و اجتماعی‌اورد را در نظر گرفته است روی این اصل نباید از این حقیقت غافل بود که هدف اقتصاد اسلامی تنها سر و سامان دادن به اوضاع عبادی و نحوه تولید و توزیع ثروت و بالآخره بیبوه و سبب خوردن و پوشاک و مسکن نیست بلکه در کلیه احکام فقهی و قوانین اقتصادی اصل عقیده و تکامل روحی و فضائل اخلاقی بطور کامل مورد توجه میباشد.

اسلام در سر حلقه‌ها و از راه تعالیم آسمانی خود ارزش فکر انسان را بالا میبرد و چنان او را با همه جهان هستی و ایمان به عالم ماوراء ماده و در دست خیز پیوند میدهد که در همه چیز و همه کار خود را در برابر خدائی میبیند که بی‌همه امور آگاه است. دانای حکیم و توانا میباشد و با اندازه‌گیری در جهان از نظر او بنیان نیست؛ (۱) خدائی که مالک مطلق (۲) و صاحب اختیار تمام عالم و موجودات است و در چنین حال و عقیده‌ایست که یک انسان مسلمان احساس مسئولیت نمیکند و در زمین اینکه خود را درست در اختیار قوانین پروردگار و فرمان او میکند و هیچگاه مملوک مال و موهبها و علاقه‌های مادی

(۱) و ما یعزب عن ربك من مقال ذرة فی الارض و لافی السماء . . (سوره یونس آیه ۶۱)

از پروردگارت باندازه ذره‌ای در زمین و آسمان پنهان نمی‌ماند.

(۲) قل اللهم مالك الملك تؤتی الملك من تشاء و توزع الملك لمن تشاء ... (سوره آل عمران آیه ۲۵)

بگو خداوند ا! تو مالک مطلق ملکی، آری هر که خواهی میبخشی و از هر که خواهی

میستانی.

نخواهد گردید بلکه مالک مال است و تصرفاتش در حدود اراده حکیمانه خداوند. پس از این مرحله اسلام اجراء قوانین را با استناد مسئولیت افراد و امید **بیاداش الهی و ترس از مجازات اخروی** و بالاخره قوانین جزائی و قدرت حکومت تضمین میکند. همین امتیاز است که ما در تمام مراحل روی آن تکیه میکنیم و از خصائص ممتاز مکتب اقتصادی اسلام میدانیم و فقدهای این امتیاز اساسی در سایر مکتبهای اقتصادی هر چند هم که دارای نظایر مثبتی باشند در مرحله عمل و اجراء، آنها را ناتوان میکند و از حرکت باز می‌دارد.

\* \* \*

اکنون باید نظر گرفتن این حقیقت که اقتصاد اسلامی بر اساس عقیده و ایمان به معده و معاد استوار است، ارکان تشکیل‌دهنده آنرا بر میشمریم:

### ۱- مالکیت نسبی

اسلام با مکتبهایی کاپیتالیزم و سوسیالیسم در شکل مالکیت اختلاف اساسی دارد، زیرا همانطور که روشن گردید رژیم سرمایه‌داری مالکیت خصوصی را بعنوان یک قانون کلی پذیرفته و با پایه‌های اقتصادی خود قرار داده است و مالکیت عمومی در این رژیم جنبه کاملاً فرعی و استثنائی دارد و همچنین سوسیالیسم مالکیت اشتراکی را بعنوان تنها معده اقتصاد خود معتبر میدانند و نسخ مالکیت خصوصی مگر در موارد استثنائی و ضرورت‌های نادر اجتماعی از امتیازات پارزاین رژیم است.

اما نظام اقتصادی اسلام هیچیک از شکل‌های مالکیت عمومی و خصوصی را بعنوان قاعده عمومی معین ندانست بلکه یک شکل خاصی از مالکیت را مقرر فرموده که بتعبیر ما همان مالکیت نسبی (۱) است یعنی در همان حال که اسلام قائل به مالکیت خصوصی میباشد و آنرا محدود و محدودتر اقلی نموده، مالکیت عمومی و همچنین مالکیت دولت را اعتبار کرده و در عین این که هر یک را در طرف خاص و دایره معینی قابل اعتنا و عمل میدانند برای هیچکدام از آنها جنبه فوق‌العاده و استثنائی قائل نیست.

مطالعات و تحقیقات نشان میدهد که اسلام در پاره‌ای از اسرار و سرمایه‌ها قائل به مالکیت خصوصی است آری نظام سرمایه‌داری بخوانیم و یا چون در بسیاری از موارد مالکیت دولت و مالکیت عمومی را معتبر میدانند آنرا با مکتب سوسیالیسم تطبیق کنیم و یا اینکه سیستم اقتصاد اسلامی را ترکیب از دو رژیم مزبور بدانیم زیرا، همانطور که بیان گردید اسلام در عین این که همه اشکال سرمایه‌گانه مالکیت را قائل است؛ بی‌هیچ‌یک از آنها رنگ استثناء و ضرورت نداده با اینکه هر یک را هم تنها از ارکان منحصر بقدر اقتصاد خود نمیدانند. همین فرق کافی است که اقتصاد اسلامی را بشکل بنیادی از نظامهای کاپیتالیزم و سوسیالیسم جدا سازد.

در شماره آینده دلائل و موارد (مالکیت عمومی و خصوصی و مالکیت دولت) را بیان می‌کنیم.

(۱) یعنی از دانشمندان معاصر شکل مالکیت اسلامی را به مالکیت مزدوج تعبیر کرده‌اند.